گزارش «وطن امروز» از نتایج جدیدترین نظرسنجی‌ها که حاکی از افول بی‌سابقه جایگاه ترامپ در افکار عمومی آمریکا پس از جنگ علیه ایران است

سقوط املاکی

گروه بین‌الملل: آمریکایی‌ها این روزها به‌شدت از وضعیت اقتصادی‌شان خشمگین و ناراضی‌اند. بسیاری از شهروندان آمریکا در گفت‌وگو با رسانه‌ها تاکید می‌کنند حقوق‌شان بالا نرفته اما همه چیز گران‌تر شده است. برخی آمریکایی‌ها گفتند بنزین و خرید مواد غذایی بیشتر از گذشته هزینه دارد، چون آمریکا در جنگی است که قرار بود کوتاه باشد ولی حالا هزینه‌اش را شهروندان در فروشگاه‌ها و پمپ بنزین‌ها پرداخت می‌کنند.

به گزارش «وطن امروز»، همین وضعیت بد اقتصادی آمریکا تحت تاثیر پیامدهای جنگ علیه ایران به سقوط شدید محبوبیت رئیس دولت تروریست آن کشور منجر شده است. گزارش‌ها نشان می‌دهد سقوط دونالد ترامپ دیگر صرفاً یک نوسان معمول در نظرسنجی‌ها نیست، بلکه به یک واقعیت کاملا آشکار در جامعه آمریکا تبدیل شده است.

شکاف میان وعده‌های انتخاباتی ترامپ برای اقتصاد بهتر و واقعیت زندگی آمریکایی‌ها در تورم فزاینده، در حال تبدیل به یک بحران سیاسی است. پیش از آغاز جنگ علیه ایران، نرخ تورم در آمریکا ۲,۴ درصد بود و اکنون به ۳,۴ درصد رسیده است. رئیس‌جمهوری که با وعده مهار تورم، کاهش هزینه زندگی و دور نگه داشتن آمریکا از جنگ‌های طولانی به کاخ سفید بازگشت، اکنون با اقتصادی مواجه است که فشار قیمت‌ها همچنان بر خانوارها سنگینی می‌کند و جنگ علیه ایران نیز با افزایش هزینه انرژی، این فشار را تشدید کرده است.

بر اساس تازه‌ترین نظرسنجی رویترز/ ایپسوس، تنها ۳۳ درصد آمریکایی‌ها عملکرد ترامپ را تأیید می‌کنند، در حالی که ۶۴ درصد با عملکردش مخالفند. این رقم محبوبیت ترامپ نسبت به نظرسنجی قبل که اوایل ماه آگوست انجام شده بود، ۲ درصد کاهش داشته و پایین‌ترین میزان محبوبیت در دوره کنونی ریاست جمهوری او است. این میزان همچنین با پایین‌ترین سطح ثبت‌شده برای ترامپ در دوره نخست ریاست جمهوری‌اش ـ دسامبر ۲۰۱۷ ـ برابر است.

سقوط محبوبیت ترامپ در شرایطی است که ژانویه ۲۰۲۶ یعنی ۲ ماه پیش از آغاز جنگ علیه ایران، ۴۷ درصد آمریکایی‌ها عملکرد ترامپ را تأیید می‌کردند و ۴۱ درصد مخالف وی بودند اما کمتر از یک ماه بعد، میزان نارضایتی از رئیس‌جمهور آمریکا از مرز ۵۰ درصد عبور کرد و اکنون میزان مخالفت با وی به ۶۴ درصد رسیده است.

اکنون مساله برای ترامپ فقط سقوط محبوبیت شخصی نیست، بلکه جنگی که قرار بود کوتاه و تعیین‌کننده باشد، به عاملی برای افزایش نااطمینانی اقتصادی و فشار بر قیمت‌های انرژی تبدیل شده و در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای آبان امسال، وضعیت بد اقتصادی و سقوط محبوبیت ترامپ به پاشنه آشیل جمهوری‌خواهان تبدیل شده است.

■ ترامپ در میان نامحبوب‌ترین روسای جمهوری تاریخ آمریکا

محبوبیت ترامپ در آمریکا تا آنجا کاهش یافته که نامش در میان نامحبوب‌ترین روسای جمهوری تاریخ آمریکا قرار گرفته است. نظرسنجی گالوپ هم نشان داد ترامپ در حال حاضر در میان روسای جمهور تاریخ آمریکا از نظر عدم محبوبیت در رده ششم و حتی نامحبوب‌تر از جو بایدن، رئیس جمهور پیشین آمریکا قرار دارد.

بر اساس گزارش گالوپ، هری ترومن با محبوبیت ۲۲ درصدی به دلیل جنگ کره، بحران اقتصادی و نارضایتی عمومی به عنوان نامحبوب‌ترین رئیس جمهور تاریخ آمریکا شناخته می‌شود. پس از ترومن، ریچارد نیکسون با ۲۴ درصد محبوبیت، به دلیل رسوایی واترگیت، جرج بوش (پسر) با ۲۵ درصد محبوبیت به دلیل بحران مالی جهانی و جنگ‌های عراق و افغانستان، جیمی کارتر با ۲۸ درصد محبوبیت به دلیل تورم، بحران انرژی و بحران گروگانگیری ایران، جرج بوش (پدر) با ۲۹ درصد محبوبیت به دلیل رکود اقتصادی و بیکاری و سرانجام دونالد ترامپ با فقط ۳۳ درصد محبوبیت به دلیل جنگ بی‌سرانجام علیه ایران، قیمت انرژی و فشار هزینه زندگی، نامحبوب‌ترین روسای جمهوری تاریخ آمریکا هستند.

■ جنگی که قرار بود چند هفته‌ای تمام شود

وضعیت بد اقتصادی خانوارهای آمریکایی تحت تاثیر جنگ علیه ایران باعث شده ترامپ در معرض پرسش‌های متعدد افکارعمومی کشورش باشد. رویترز در این ارتباط گزارش داد رئیس جمهور آمریکا باید به این پرسش پاسخ دهد که چرا هزینه جنگ علیه ایران روی قبض‌ها و قیمت بنزین آمده است؟ همچنین اکنون بسیاری از آمریکایی‌ها این پرسش را مطرح می‌کنند: پس از ماه‌ها جنگ، دستاورد آمریکا در قبال ایران جز افزایش تلفات و خسارات نظامی پایگاه‌های آمریکایی در منطقه چیست؟

در واقع بدون هیچ تردیدی می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین عوامل تضعیف جایگاه ترامپ، پیامدهای جنگ علیه ایران است؛ چون جنگی که رئیس جمهور جنجالی آمریکا در ابتدای آن وعده داده بود در مدت کوتاهی به پایان می‌رسد، اکنون بدون هیچ نتیجه‌ای وارد ماه ششم شده است.

جالب آن است که بسیاری از آمریکایی‌ها به خروج ترامپ از جنگ در آینده نزدیک هم امید ندارند و در نظرسنجی رویترز/ ایپسوس، ۸۰ درصد آمریکایی‌ها معتقدند جنگ آمریکا علیه ایران برای مدت طولانی ادامه خواهد داشت. این نگرانی فقط محدود به مخالفان سیاسی ترامپ نیست، بلکه ۸۷ درصد دموکرات‌ها و ۷۱ درصد جمهوری‌خواهان نیز انتظار دارند جنگ علیه ایران طولانی شود. تنها ۱۶ درصد شرکت‌کنندگان تصور می‌کنند درگیری احتمالاً ظرف چند هفته آینده پایان خواهد یافت. این آمار نشان می‌دهد روایت دولت ترامپ درباره یک جنگ کوتاه و محدود، دست‌کم در افکار عمومی آمریکا، اعتبار خود را تا حد زیادی از دست داده است و بسیاری از آمریکایی‌ها می‌دانند ترامپ توانایی کسب نتیجه در جنگ علیه ایران در آینده نزدیک را ندارد.

از سوی دیگر، تنها یک‌پنجم آمریکایی‌ها معتقدند جنگ علیه ایران ارزش هزینه‌هایی را که آمریکا برای آن پرداخته، دارد. حتی در میان جمهوری‌خواهان، فقط حدود نیمی از آنها جنگ فعلی علیه ایران را به سود آمریکا می‌دانند.

به این ترتیب، ترامپ با یک مشکل سیاسی دوگانه مواجه است: از یک سو هنوز نتوانسته جنگ را به یک آتش‌بس پایدار تبدیل کند و از سوی دیگر، هزینه‌های اقتصادی جنگ به زندگی روزمره آمریکایی‌ها منتقل شده است.

■ جنگ در هرمز، سوخت گران در آمریکا

یکی از مهم‌ترین پیامدهای جنگ آمریکا علیه ایران، اختلال در تجارت جهانی نفت از مسیر تنگه هرمز است. رویترز نوشت درگیری در تنگه هرمز باعث اختلال در یک‌پنجم تجارت جهانی نفت شده و افزایش قیمت بنزین در آمریکا فشار بیشتری بر خانوارها وارد کرده است.

این مساله برای ترامپ از اهمیت سیاسی ویژه‌ای برخوردار است، زیرا وی در انتخابات ۲۰۲۴ بخش مهمی از پیام اقتصادی خود را بر کاهش تورم و پایین آوردن هزینه‌های زندگی بنا کرده بود.

اکنون اما جنگی که وی آغاز کرد، از طریق افزایش قیمت انرژی به یکی از همان حوزه‌هایی ضربه زده که ترامپ وعده داده بود آنها را بهبود دهد، یعنی تورم.

رویترز در گزارش دیگری تأکید کرد جنگ علیه ایران قیمت بنزین را افزایش داده و جمهوری‌خواهان را در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر با مشکل مواجه کرده است.

بر اساس این گزارش، میانگین قیمت بنزین معمولی در آمریکا در حال حاضر به ۴.۰۸ دلار رسیده؛ یعنی ۲۹ درصد بیشتر از یک سال قبل. به گفته رویترز، از آغاز حمله آمریکا و اسرائیل به ایران، قیمت بنزین در آمریکا بیش از ۳۰ درصد در مقایسه با دوران پیش از جنگ افزایش یافته و در برخی ایالت‌ها در حال حاضر ۵ دلار است. افزایش قیمت بنزین به صورت مستقیم هزینه رفت‌وآمد، حمل‌ونقل کالا و در نهایت قیمت بسیاری از کالاها و خدمات را بالا می‌برد؛ به همین دلیل قیمت بنزین یکی از ملموس‌ترین شاخص‌های اقتصادی برای رأی‌دهندگان آمریکایی است.

در واقع بنزین ۴ دلاری فقط یک عدد اقتصادی نیست و در آمریکا به یک شاخص روزمره از فشار هزینه زندگی تبدیل شده است. در شرایطی که قیمت بنزین ۲۹ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافته، هزینه جنگ علیه ایران مستقیم از جیب مصرف‌کنندگان آمریکایی خارج می‌شود و وعده ترامپ برای کاهش هزینه‌های زندگی را با چالش جدی مواجه کرده است.

■ چالش گرانی مواد غذایی پس از آغاز جنگ

آمریکایی‌ها تحت تاثیر جنگ ترامپ علیه ایران با گرانی شدید در بخش مواد غذایی نیز روبه‌رو شده‌اند. تحلیل رویترز از قیمت ۲۶ گروه کالایی که در نمایش تبلیغاتی ترامپ در سال ۲۰۲۴ مورد توجه قرار گرفته بود، نشان می‌دهد قیمت این اقلام در ۱۹ ماه نخست دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ ۳.۴ درصد افزایش یافته است. به همین دلیل، مساله «هزینه مواد غذایی» اکنون به یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های شهروندان آمریکا تبدیل شده است.

این مساله از نظر سیاسی برای ترامپ بسیار حساس است، زیرا بخش مهمی از پیروزی وی در انتخابات ۲۰۲۴ بر این استدلال استوار بود که دولت دموکرات‌ها عامل افزایش قیمت مواد غذایی بوده و ترامپ می‌تواند هزینه زندگی را کاهش دهد اما اکنون جمهوری‌خواهان باید به رأی‌دهندگان توضیح دهند چرا قیمت مواد غذایی همچنان بالاست!

بر اساس گزارش‌ها، قیمت مواد غذایی در آمریکا طی یک ماه گذشته ۳ درصد بیشتر از یک سال قبل شده است، بنابراین خانوارها با سطح قیمت بالاتری نسبت به سال گذشته روبه‌رو هستند. همچنین یک اقتصاددان ارشد فائو به رویترز گفت انتقال افزایش قیمت کالاهای پایه به قیمت نهایی مواد غذایی معمولاً ۳ تا ۶ ماه طول می‌کشد، بنابراین بخش مهمی از آثار جنگ علیه ایران بر سفره آمریکایی‌ها ممکن است طی ماه‌های آینده آشکار شود. افزایش هزینه انرژی فقط قیمت بنزین را بالا نمی‌برد، بلکه هزینه حمل‌ونقل مواد غذایی، تولید، سردخانه، بسته‌بندی و توزیع را نیز افزایش می‌دهد. به همین دلیل جنگ علیه ایران می‌تواند حتی در صورت کنترل قیمت برخی مواد غذایی، تورم مواد غذایی را در ماه‌های آینده دوباره تشدید کند و ترامپ را در موقعیت دشوارتری قرار دهد. بنابراین با ادامه جنگ علیه ایران و افزایش تورم مواد غذایی در ماه‌های آینده، بعید نیست ترامپ بار دیگر در عدم محبوبیت در کشورش رکورد بزند و آمار حداقلی محبوبیت فعلی‌اش از آنچه هست پایین‌تر رود.

صادرات نفت عربستان ماه گذشته ۲۶ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافت

آرامکوی ناآرام

گروه بین‌الملل: اختلال همزمان صادرات انرژی از ۲ تنگه هرمز و باب‌المندب تحت تاثیر جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، طی چند ماه گذشته یکی از جدی‌ترین شوک‌های اقتصادی سال‌های اخیر را به عربستان وارد کرده است. در واقع شوک اقتصادی بزرگ علیه ریاض ناشی از آن است که آن کشور برای دور زدن تنگه هرمز و حفظ صادرات نفت خود به بازارهای دنیا، به مسیرهای جایگزین بویژه تنگه باب‌المندب روی آورد اما اکنون همین مسیر نیز با تهدید مواجه شده است، چون نیروهای یمنی در چارچوب راهبرد محاصره در برابر محاصره، باب‌المندب را تا زمان ادامه محاصره یمن، به روی نفتکش‌ها و شناورهای مرتبط با عربستان بسته‌اند و از این نظر سعودی برای صادرات نفت و انرژی خود هم از تنگه هرمز در خلیج فارس و هم از باب‌المندب در دریای سرخ با چالش جدی روبه‌رو است.

به گزارش «وطن امروز»، خبرگزاری رویترز گزارش داد صادرات نفت عربستان در ماه مارس ۲۰۲۶ حدود ۲۶ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافت و به ۴.۳۹ میلیون بشکه در روز رسید. با این حال، افزایش قیمت جهانی نفت باعث شد ارزش صادرات نفت عربستان ۵۵۸ میلیون دلار افزایش یابد و بخشی از زیان ناشی از کاهش حجم صادرات جبران شود. این مساله اگرچه در کوتاه‌مدت به عربستان کمک کرد اما با کاهش قیمت نفت، مشکل بزرگ کاهش ظرفیت صادرات و افزایش هزینه انتقال نفت عربستان خود را نشان داد و این مشکل اکنون اقتصاد آن کشور را کوچک‌تر کرده است.

■ کوچک شدن اقتصاد سعودی

گزارش‌ها حاکی از افول اقتصاد عربستان طی چند ماه گذشته تحت تاثیر چالش‌های آن کشور در تنگه‌های هرمز و باب‌المندب است. تارنمای خبری - تحلیلی «العربی الجدید» در تحلیلی درباره تاثیر بسته بودن آبراه‌های هرمز و باب‌المندب به روی صادرات نفت عربستان، نوشت: برآوردهای اولیه اداره کل آمار سعودی نشان می‌دهد تولید ناخالص داخلی واقعی اقتصاد عربستان در ۳ ماه دوم سال ۲۰۲۶ نسبت به سال گذشته ۴.۸ درصد کاهش یافته و رشد ۳ درصدی ثبت شده در ۳ ماه اول را معکوس کرده است. این امر در درجه اول به دلیل انقباض شدید فعالیت بخش نفت به میزان ۲۴.۷ درصد است که ۵.۴ درصد رشد کلی را کاهش داده است.

العربی الجدید افزود: بر اساس گزارش ۳۰ جولای/ ۸ مرداد سال جاری «تریدینگ اکونومیک» (Trading Economics) تولید ناخالص داخلی عربستان در مقایسه با ۳ ماه قبل، ۴.۹ درصد کاهش یافته که تحت تأثیر کاهش ۲۱.۵ درصدی فعالیت‌های نفتی است.

بر اساس گزارش ۳۱ ژوئیه سال جاری روزنامه فایننشال تایمز، داده‌های ۳ ماه دوم نشان می‌دهد جنگ‌افروزی چند ماهه آمریکا و اسرائیل در منطقه فشار بار سنگینی را بر اقتصاد سعودی وارد کرده و عدم قطعیت در مورد زمان و چگونگی پایان آن، نشان می‌دهد فعالیت‌های تولیدی تا زمانی که بحران دریانوردی ادامه دارد، تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

در این زمینه «ربیع بدوانی مخلوف» اقتصاددان عرب گفت انقباض تولید ناخالص داخلی سعودی عمدتاً ناشی از کاهش شدید فعالیت‌های نفتی است، در حالی که فعالیت‌های غیرنفتی همچنان در حال رشد است که نشان‌دهنده تمرکز شوک فعلی در بخش نفت است و اثرات غیرمستقیم آن از طریق اختلال در حمل‌ونقل، تجارت و افزایش هزینه‌های کشتیرانی و بیمه، به اقتصاد در سطح گسترده‌تری تسری می‌یابد.

العربی الجدید نوشت: فشارهای اقتصادی به احتمال زیاد در طول مدت اختلال در کشتیرانی و درگیری‌های منطقه ادامه خواهد یافت، بویژه اگر محدودیت‌های کشتیرانی از طریق تنگه هرمز طولانی شود. مخلوف خاطرنشان کرد صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی رشد اقتصادی سعودی در سال ۲۰۲۶ را به ۱.۷ درصد کاهش داده است.

■ چرا بستن همزمان باب‌المندب و هرمز به سعودی‌ها ضربه زد؟

طی چند ماه بسته شدن تنگه هرمز، ۷۵ درصد صادرات نفت خام و میعانات عربستان از مسیر بندر ینبع در دریای سرخ انجام می شد. این مسیر برای عبور حامل‌های انرژی به تنگه باب‌المندب وابسته است اما صادرات نفت عربستان از مسیر باب‌المندب نیز از ۳ میلیون بشکه در روز به ۱.۵ میلیون بشکه کاهش یافته است.

ریاض در واکنش به این چالش در باب‌المندب، مجبور شده بخشی از نفت خود را از مسیرهای بسیار طولانی‌تر منتقل کند. استفاده از کانال سوئز و پایانه سیدی کریر مصر یکی از گزینه‌های جایگزین است اما ظرفیت این مسیر به‌مراتب کمتر از مسیرهای سنتی عربستان است. ریاض ماه آگوست تنها ۶۷۰ هزار بشکه در روز نفت از سیدی کریر برای بازار آسیا انتقال داده است، در حالی که مسیر ینبع پیش از بحران باب‌المندب می‌توانست ۴ میلیون بشکه نفت در روز را پوشش دهد. به این ترتیب، مسیر جایگزین فعلی تنها ۱۷ درصد ظرفیت مسیر ینبع را در اختیار عربستان قرار می‌دهد!

مشکل دیگر، افزایش شدید زمان انتقال نفت است. شرکت ژاپنی ایدمیتسو اعلام کرده انتقال نفت عربستان از مسیر سوئز و دماغه امیدنیک، زمان سفر را از ۲۰ روز به ۵۰ تا ۶۰ روز افزایش داده است. افزایش زمان سفر به معنای نیاز به تعداد بیشتری نفتکش برای حفظ همان میزان عرضه و در نتیجه افزایش هزینه حمل، بیمه، سوخت و سرمایه در گردش است.

با این حال، اگر اختلال در هرمز و باب‌المندب طولانی شود، وضعیت می‌تواند برای ریاض بسیار دشوارتر شود. عربستان اقتصادی به‌شدت وابسته به درآمدهای نفتی دارد و هر گونه کاهش پایدار در حجم صادرات، افزایش هزینه انتقال نفت و اختلال در دسترسی به بازارهای آسیا، می‌تواند منابع مالی پادشاهی آل سعود را تحت فشار قرار دهد و وضعیت اقتصادی عربستان را از آنچه هست، دشوارتر کند.

گزارش

تشدید حملات نیروهای مقاومت و دولت صنعا به منافع عربستان در جازان و المخا

پهپادها بلای جان سعودی

گروه بین‌الملل: پاسخ‌های موشکی و پهپادی ارتش یمن و انصارالله به سعودی‌ها همچنان ادامه دارد. روز سه‌شنبه یک منبع نظامی یمنی در گفت‌وگو با خبرگزاری «سبا» اعلام کرد نیروهای مسلح این کشور با تعدادی پهپاد، پالایشگاه شرکت آرامکو واقع در «جازان» عربستان را هدف قرار دادند. به گفته این منبع، ارتش یمن در این عملیات از پهپادهای خود استفاده کرد که به شکل دقیقی به اهداف مورد نظر اصابت کردند.

به گزارش «وطن امروز»، منبع یمنی تاکید کرد عملیات اخیر علیه پالایشگاه آرامکو عربستان در پاسخ به نقض حریم هوایی یمن در استان‌های صعده و حجه اجرا شد. در واقع این حمله پهپادی در چارچوب تثبیت معادله «پاسخ مستقیم و قاطع علیه هر گونه تجاوز و تشدید میدانی علیه خاک یمن» از سوی صنعا انجام شد و حامل این پیام برای عربستان است که «هیچ گونه نقض حاکمیت ملی یمن بدون مجازات و هزینه نظامی و میدانی بالا نخواهد ماند».

پالایشگاه جازان در ساحل دریای سرخ قرار دارد و ظرفیت پالایش آن ۴۰۰ هزار بشکه در روز است. این پالایشگاه در جنوب غرب عربستان و نزدیک مسیر دریای سرخ قرار گرفته و به همین دلیل در راهبرد عربستان برای انتقال و پالایش نفت خارج از مسیر تنگه هرمز اهمیت دارد و طی چند هفته گذشته چندین نوبت هدف حملات نیروهای یمنی قرار گرفته است.

رویترز در گزارشی نوشت: حمله به جازان یعنی فشار بر «مسیر فرار» عربستان از تنگه هرمز، چون ریاض برای کاهش وابستگی به هرمز، نفت را از طریق خط لوله شرق ـ غرب به سواحل دریای سرخ و سپس به بازارهای خارجی منتقل می‌کرد اما اکنون همزمان با اختلال هرمز، باب‌المندب نیز برای کشتی‌های مرتبط با عربستان ناامن شده است. رویترز گزارش داد نفتکش‌های مرتبط با عربستان در حال اجتناب از عبور از باب‌المندب هستند و بخشی از صادرات از مسیر طولانی‌تر سوئز منتقل می‌شود اما این خطوط نیز برای صادرات نفت عربستان جوابگو نیست.

■ ۳ حمله به کشتی تدارکاتی عربستان در یک هفته

از سوی دیگر نیروهای صنعا عملیات نظامی خود را علیه مراکز تدارکاتی متعلق به گروه‌های تحت حمایت سعودی در شرق و غرب یمن تشدید کرده‌اند. روز گذشته سخنگوی نیروهای مسلح یمن اعلام کرد این نیروها یک کشتی نظامی وابسته به سعودی را به همراه ۴ قایق نظامی همراه آن در دریای سرخ و در برابر سواحل «المخا» هدف قرار دادند. سرلشکر یحیی سریع گفت این حمله با استفاده از چند فروند موشک بالستیک انجام شد و اصابت‌ها «دقیق و مستقیم» بوده است. وی تأیید کرد «این حمله دقیق و مستقیم بود و منجر به انهدام کامل کشتی، غرق شدن چندین قایق گشتی و آتش گرفتن کشتی‌های باقی مانده شد».

سرلشکر سریع همچنین گفت نیروهای مسلح یمن با دقت تحرکات و تجمعات نیروهای سعودی را زیر نظر دارند و هر گونه جابه‌جایی و تجمع این نیروها را، چه در خشکی و چه در دریا، هدف قرار خواهند داد.

وی روز دوشنبه نیز از یک عملیات نظامی با هدف قرار دادن «انبارهای سلاح متعلق به نیروهای تحت حمایت سعودی در اردوگاه صحن الجن در استان مأرب با استفاده از تعدادی پهپاد» خبر داده بود.

طی چند ماه گذشته، ریاض نیروهای نظامی قابل توجهی را به المخا و مناطق اطراف آن اعزام کرده است و به دنبال هموار کردن راه برای شعله‌ور کردن جبهه‌ای در جنوب حدیده، با هماهنگی آمریکا و انگلیس با هدف مهار کنترل انصارالله بر تنگه باب‌المندب است. در واکنش به تحرکات عربستان در جنوب یمن، نیروهای ارتش و دولت صنعا مجموعه‌ای از عملیات را علیه نیروهای مزدور وابسته به عربستان در مناطق مختلف اطراف المخا، از جمله ذوبان و کهبوب انجام داده‌اند و همچنین اتاق‌های عملیات عربستان در جزیره میون را که مشرف به تنگه است، بمباران کرده‌اند.

روز دوشنبه وزارت خارجه یمن در بیانیه‌ای با هشدار نسبت به تحرکات سعودی‌ها در جنوب یمن اعلام کرده بود «تجمع نیروهای سعودی در سواحل غرب و مأرب تهدیدی مستقیم برای امنیت، ایمنی و ثبات یمن است، بنابراین نیروهای مسلح یمن به طور مناسب به آن واکنش نشان دادند». در این بیانیه هشدارآمیز آمده بود: «وقتی مردم یمن معادله محاصره در برابر محاصره را تحمیل کردند، سعودی‌ها به اقدامات تشدیدکننده بیشتر، یعنی بسیج مداوم نیروهای نیابتی خود در تمام سرزمین‌های اشغالی یمن متوسل شدند و دولت یمن نیز به آنها پاسخ خواهد داد».